

بررسی رابطه میان تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی با تأثیر دو متغیر پاسخگویی و اعتماد عمومی (مورد مطالعه سازمان‌های دولتی استان فارس)

طاهره فیضی^۱، رضا زارع^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۲

چکیده

ما در عصری زندگی می‌کنیم که تمرکزگرایی در اداره کشورها به عنوان مسبب بسیاری از مشکلات شناخته می‌شود. در بسیاری از جوامع تعداد رو به رشدی از شهروندان و سیاستگذاران معتقدند که تمرکززدایی می‌تواند اجتماعشان را با ثبات‌تر، دموکراتیک و از نظر اقتصادی پیشرفته سازد. بنابر این، هدف از این پژوهش، بررسی رابطه میان تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی است و اینکه چگونه متغیرهای پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی بر این رابطه تأثیر می‌گذارند. این تحقیق مطالعه‌ای توصیفی از نوع پیمایشی است. حجم نمونه آماری این پژوهش با استفاده از فرمول نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، برابر ۵ است که با توجه به فرمول کوچران، ۳۰۰ تن به عنوان نمونه آماری این تحقیق انتخاب شدند. در این پژوهش برای سنجش پایایی پرسشنامه‌های تحقیق و اجرای آمار توصیفی از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش الگوسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار آموس و لیزرل استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که تمرکززدایی اداری به طور غیرمستقیم و از طریق دو متغیر مداخله‌گر پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی رابطه دارد.

واژگان کلیدی:

تمرکززدایی اداری، پاسخگویی عمومی، اعتماد عمومی، حاکمیت عمومی، سازمان‌های دولتی استان فارس.

۱. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور. تهران، ایران. نویسنده مسئول: tahereh_feizy@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش رفتار سازمانی، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور. تهران، ایران.

مقدمه

تمرکززدایی^۱ در بسیاری از کشورها به عنوان ابزاری ضروری و روشی برای توسعه سیاسی مدنظر قرار گرفته شده است. کشورها شامل فرهنگ و سنت‌های اجتماعی، اهداف و مقاصد، اشکال و حوزه‌هایی از عدم تمرکز، سطوح مختلف جغرافیایی و اصلاحات در حال اجرا هستند (آلمن و همکاران^۲، ۲۰۰۵: ۲۷). بنابر این، حکومت‌ها از طرق سیاسی، قومی، مذهبی و گروه‌های فرهنگی در جستجوی استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری و کنترل قوی‌تر بر منابع ملی، برای تمرکززدایی تحت فشار قرار دارند (چیمبا و راندینلی^۳، ۲۰۰۷: ۲). با اجازه دادن به جوامع محلی و سازمان‌های منطقه‌ای برای مدیریت امور خود و تسهیل ارتباط نزدیک میان قدرت مرکزی و محلی، حکومت محلی قادر خواهد بود که به نیازها و اولویت‌های مردم پاسخ دهد و بدین وسیله اطمینان حاصل می‌شود که دولت، احتیاجات گوناگون اجتماعی مردم را مشاهده می‌کند (سازمان برنامه‌ریزی و توسعه سازمان ملل متحد^۴، ۱۹۹۸: ۶). تمرکززدایی دموکراتیک عامل توسعه روابط متقابل بین دولت‌های مرکزی و محلی، میان دولت‌های محلی و شهروندان است که قدرت را به سمت توسعه سیاسی و پیاده‌سازی آن و گسترش فرایندهای دموکراتیک به سطوح پایین‌تر دولت و حصول اطمینان از اینکه دموکراسی پایدار است رهنمون می‌کند (بارنت و همکاران^۵، ۲۰۰۲: ۲).

سیستم پاسخگویی بخش اداری، دولت را به بخش سیاسی و در نهایت به جامعه وصل می‌کند. فرض بر آن است که کلیه اقدامات دولت در نهایت همان اقدامات شهروندان است که از طریق نمایندگان آنها انجام می‌شود. به گفته دانا هیوز: «لازمه تأمین منابع عمومی، طراحی دقیق یک ساختار پاسخگویی است تا شهروندان اطمینان یابند که نهایت تلاش از طرف کسانی که به نام آنها اقدام

می‌کنند، به عمل آمده است» (هیوز^۶، ۱۳۹۲: ۲۷۸). پاسخگویی، مبنای هر جامعه‌ای است که ادعا می‌کند دموکراتیک است. بهترین الگوهای حاکمیت مردم‌سالار تا وقتی نتوانند کسانی را که قدرت را در اختیار دارند، در برابر شهروندان پاسخگو کنند، کاملاً ناکارآمد و آسیب‌پذیر تلقی می‌شوند (بوونز^۷، ۲۰۰۵: ۱). اگر دولت‌ها پاسخگو نباشند، یکسویه، مستبد و فسادانگیز خواهند شد. سازمان‌های دولتی به وسیله مردم و برای مردم ایجاد می‌شوند و می‌بایست در برابر آنها پاسخگو باشند (هیوز، ۱۳۹۲: ۲۸۲).

نمی‌توان انکار کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی برخورداری از اعتماد عمومی است (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). با افزایش اعتماد عمومی، سطح بدبینی به دولت و به دنبال آن هزینه کنترل متقابل دولت و ملت کاهش می‌یابد (اوسلانر^۸، ۲۰۰۲). اعتماد، عامل پیوند شهروندان و سازمان‌های دولتی، و مدیریت دولتی اثربخش، منبعث از این پیوند و اعتماد دوطرفه است. از این رو، اعتماد عمومی بر کیفیت مدیریت دولتی تأثیر زیادی خواهد داشت (روسیو^۹، ۱۹۹۶: ۱). اعتماد عمومی برای دموکراسی، حایز اهمیت فراوان است. اعتماد، شهروندان را به نهادها و سازمان‌هایی که باید نمایندگان آنها باشند پیوند می‌دهد و بدین طریق، هم مشروعیت و هم اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش می‌یابد (بریشویت^{۱۰}، ۱۹۹۸).

حاکمیت عمومی مفهومی مشتمل بر معیارها، استانداردها، رویه‌ها و اصول حکومتداری است و نقش مهمی در سلامت جامعه به عهده دارد؛ دولت‌ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع عمومی را اداره و حقوق بشر را تضمین می‌کنند (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۶). حاکمیت مهم‌ترین عامل در از بین بردن فقر و عامل رشد و توسعه اقتصادی است. حاکمیت عمومی، این اهداف را

^۶. Huse

^۷. Bovens

^۸. Uslaner

^۹. Rucio

^{۱۰}. Braithwaite

^۱. Decentralization

^۲. Altmann et al

^۳. Cheema & Rondinelli

^۴. UNDP

^۵. Barnett et al

همچنین شامل سازوکارهایی برای کار با همکاران سطوح بالا یا پایین دولتی و اداری، کار با عاملان کلیدی غیر دولتی محلی، مانند ساختارهای سنتی اقتدار و شرکای بخش خصوصی است. (نمایندگی توسعه بین‌المللی ایالات متحده، ۲۰۰۹: ۱۴)

عدم تمرکز اداری، نظامی است که در آن صلاحیت تصمیم‌گیری دربارهٔ امور به مقاماتی که کم و بیش مستقل از قوهٔ مرکزی‌اند سپرده شده می‌شود. در این نظام، هر یک از استان‌ها یا شهرستان‌ها شخصیت حقوقی جدا از شخصیت حقوقی دولت‌اند، بودجه و مأموران خاص خود را دارند و سازمان‌ها و شوراهای محلی در تمام اموری که مطابق قانون در صلاحیت آنها گذاشته شده است، حق تصمیم‌گیری دارند؛ ولی برای اینکه مقامات مزبور از حدود اختیارات خود تجاوز نکنند دولت مرکزی نسبت به اعمال آنها نظارت می‌کند. باید خاطر نشان کرد که عدم تمرکز اداری، وحدت حقوقی و شکل حکومت را تغییر نمی‌دهد و آن را نباید با فدرالیسم^۳ اشتباه کرد؛ زیرا اموری که به عهدهٔ شوراها و مقامات محلی است، تنها امور اجرایی و اداری است و آنها به هیچ وجه حق مداخله در امور قضایی یا قانونگذاری ندارند و همه از قوانینی واحد تبعیت می‌کنند، در صورتی که در نظام فدرال دولت‌های عضو متحده، دارای مجالس مقننه، قوه قضائیه، هیئت وزرا و قوانین مخصوص به خود هستند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۵۲). اهداف عدم تمرکز اداری در انتقال اختیار تصمیم‌گیری، منابع و مسئولیت‌ها برای ارائهٔ تعدادی منتخب از خدمات عمومی یا فعالیت‌ها از حکومت مرکزی به سایر سطوح حکومت (غیرمنتخب)، نمایندگی‌ها یا دفاتر میدانی از نمایندگی‌های حکومت مرکزی است. عدم تمرکز اداری، در پیوند با سه نوع مختلف تمرکززدایی بوده که هر کدام دارای ویژگی‌های گوناگون‌اند و شامل عدم تراکم، تفویض اختیار و انتقال قدرت است که معمولاً به عنوان بخشی از اصلاحات

از طریق نفی سوء استفاده و فسادهای سیاسی و اداری و با رعایت حاکمیت قانون محقق می‌سازد (هیل و همکاران، ۲۰۰۴: ۳). تحقق چنین حقایق مستلزم شرایط ساختاری و تشکیلات سیاسی و حقوقی مناسبی است تا بستر اجرا و اعمال آنها را فراهم سازد. بنابر این، اصلاحات ساختاری و سیاسی پیش‌فرض تحقق مطلوب و مؤثر توسعهٔ سیاسی، حقوق بشر حاکمیت عمومی است. (همان: ۴)

بنابر این، مسئله‌ای که ذهن نویسندگان مقاله را به خود معطوف کرده، این است که نخست، آیا تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی رابطه دارد؟ و دوم اینکه، ماهیت این رابطه چگونه است؟ آیا پاسخگویی عمومی، متغیر مداخله‌گر رابطهٔ میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی است؟ آیا اعتماد عمومی، متغیر مداخله‌گر رابطهٔ میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی است؟ آیا میان این چهار مفهوم ارتباط وجود دارد و اینکه کدام یک بر دیگری اثرگذار است؟ روشن شدن ماهیت این روابط به مسئولان کشور کمک می‌کند تا تصمیم‌های بهتری برای بهبود این چهار متغیر در سازمان‌های دولتی اتخاذ کنند.

ادبیات پژوهش

تعریف تمرکززدایی اداری

تمرکززدایی اداری، انتقال مسئولیت برنامه‌ریزی و مدیریت یک یا تعداد بیشتری از فعالیت‌های عمومی دولت ملی و نماینده‌های مرکزی آن است به دولت‌های محلی یا واحدهای اداری محلی. عدم تمرکز اداری به معماری سازمانی (ساختار، سیستم‌ها و فرایندها) اشاره دارد، که از اجرا و مدیریت آن مسئولیت‌ها تحت نظارت مسئولان محلی حمایت می‌کند و شامل ساختارهای محلی، منابع انسانی و مدیریت سیستم‌ها، برنامه‌ریزی، نظارت، ارزیابی و طبقه‌بندی خدمات است. عدم تمرکز اداری نیز می‌تواند در برگیرندهٔ بهبود ظرفیت بودجه‌ریزی، مدیریت مالی و کنترل مالی در یک کشور باشد. عدم تمرکز اداری

2. USAID

3. Federalism

¹. Hill et al

خدمات اجتماعی درک شده است. (کمسیون اروپا، ۲۰۰۷: ۱۷)

تمرکززدایی توسط محققان بسیاری به عنوان عاملی حیاتی در حاکمیت عمومی شناخته شده است. فرضیه‌های مطرح شده توسط ون‌گراف و بن‌سالم رابطه قوی میان عدم تمرکز و حاکمیت عمومی را نشان می‌دهد (ون‌گراف و بن‌سالم، ۱۹۹۲). جری ون‌سینت نیز عدم تمرکز را به عنوان مجموعه روابط نهادی مهم در بهبود حاکمیت معرفی کرد (ون‌سینت، ۱۹۹۷). رابطه مثبت فرض شده میان عدم تمرکز و حاکمیت عمومی نیز در تحقیقاتی در آفریقا توسط سازمان ملل که ارتباط میان حکومت‌های دموکرات و اجرای عدم تمرکز را شامل می‌شود، مورد تأیید قرار گرفته است (نیری، ۱۹۹۸). رابرت چارلیک توضیح می‌دهد که رابطه بین حاکمیت و عدم تمرکز راهی است که دولت به نوبه خود به وسیله آن فراهم‌کننده مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت بهتر و پاسخگویی است که از ویژگی‌های اساسی حاکمیت عمومی به شمار می‌روند (چارلیک، ۱۹۹۲). تجارب حاصل از برنامه‌های توسعه سازمان ملل متحد در مورد عدم تمرکز، بیانگر بهبود دسترسی مردم به بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، استخدام و فرصت‌های معیشتی پایدار و انواع خدمات اجتماعی است. عدم تمرکز، رابطه بسیار قوی با افزایش مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد؛ وانگهی، برای توسعه و افزایش ظرفیت‌های مردم و تقویت مسئولیت‌پذیری دولت حیاتی است. (سازمان ملل، ۱۹۹۹)

تعریف پاسخگویی عمومی

پاسخگویی یکی از ضرورت‌های مدیریت دولتی در شرایط کنونی است. بهترین الگوهای حاکمیت مردم‌سالار تا وقتی نتوانند کسانی را که قدرت را در اختیار دارند، در

برابر شهروندان پاسخگو کنند، کاملاً ناکارآمد و آسیب‌پذیرند. در حقیقت؛ پاسخگویی یکی از ارکان اصلی مدیریت دولتی است که تصویری از عدالت، برابری، اعتماد و انصاف را به ذهن متبادر می‌سازد و می‌تواند برای بهبود شرایط و اثربخشی مدیریت دولتی مورد استفاده قرار گیرد. (بوونز، ۲۰۰۵: ۱)

طبق نظر مولگان، پاسخگویی زمینه‌ای را درباره مفهوم مسئولیت‌پذیری به دست آورده است. از نظر مولگان، پاسخگویی اولین بار به طور مفهومی در ایده مسئولیت‌پذیری (یک مفهوم جمعی) جا گرفته بود، اما بعدها زمینه‌ای را به عنوان یک مفهوم فردی به دست آورد؛ یعنی پاسخگویی بر خلاف مسئولیت‌پذیری که یک مفهوم جمعی است، مفهومی فردی تلقی می‌شود. البته بعدها دامنه این مفهوم تا مسئولیت‌پذیری نیز افزایش یافته است (مولگان، ۲۰۰۰: ۵۵۷). همچنین دوبنیک تمایل دارد تا مسئولیت‌پذیری را به عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر پاسخگویی ببیند، به جای اینکه پاسخگویی را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر مسئولیت‌پذیری ببیند (دوبنیک، ۲۰۰۵: ۶). مطابق نظر مولگان، تعریف اصلی پاسخگویی به وسیله نوعی کنترل بیرونی، تعامل و مبادله اجتماعی و حق اختیار مشخص می‌شود (مولگان، ۲۰۰۳: ۱۰). در این حالت، پاسخگویی شامل تعامل و مبادله اجتماعی به منزله همسوسازی و ضمانت اجرایی قوانین است. همچنین فرد پاسخگو (مدیر)، حق اختیار و فرد خواهان پاسخ (شهروند)، حق درخواست جواب و تحمیل ضمانت اجرایی را دارد. (بوونز، ۲۰۰۵: ۱۰)

پاسخگویی نیروی پیش‌برنده است که بر بازیگران کلیدی فشار می‌آورد تا در برابر ارائه عملکرد خوب و اطمینان از آن، احساس مسئولیت کنند (لافان، ۲۰۰۳: ۷۶۳). پاسخگویی مبنای مشروعیت برای تصمیماتی است که از جانب جمع گرفته می‌شود. تصمیم زمانی مشروع خواهد بود که از نظر عقلانی دلایلی از یک منظر خاص برای آن

¹. European Commission

². Vengroff & Ben Salem

³. VanSant

⁴. Nyiri

⁵. Charlick

⁶. UNDP

⁷. Mulgan

⁸. Dubnick

⁹. Laffan

تعریف اعتماد عمومی

به گفته برثویت، مهم‌ترین سازوکار برای فرهنگ‌آموزی اعتماد، اعتماد به دیگران است (ایران‌نژاد و پناهی، ۱۳۸۴: ۶). اعتماد یکی از سه مسئله بزرگی است که اندیشمندان مدیریت دولتی با آن مواجهند. فقدان اعتماد، منجر به محدود شدن انعطاف و آزادی عمل می‌شود. بی‌اعتمادی در زندگی سیاسی نفوذ می‌کند، آهنگ گفت‌وگو سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است دلایل بنیادین افراد برای مشارکت در سیاست یا پرهیز از مشارکت را تغییر دهد. اعتماد نقش روابط غیر رسمی را ایفا می‌کند (خانباشی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰). برای رسیدن به وحدت، شاخصه‌های مختلفی وجود دارد ولی مهم‌ترین شاخصه آن، اعتماد عمومی افراد جامعه به رفتارها و کنش‌های یکدیگر است (اشراقی، ۱۳۹۱: ۷۹). اعتماد عمومی یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی است که آسیب دیدن آن می‌تواند زیان و هزینه بسیار سنگینی را برای نظام اداری و در مقیاس وسیع‌تر، به نظام سیاسی تحمیل کند. کاهش اعتماد شهروندان به دولت و نهادهای دولتی، از بحران‌های جهان امروز به شمار می‌رود. (الوانی، ۱۳۷۹)

اساس اعتماد عمومی نیز باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببینند. وقتی اعتماد عمومی مطرح می‌شود، مردم انتظار دارند مقامات و سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با آنها که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد، به انتظارات آنها پاسخ دهند. به عبارت دیگر؛ اعتماد عمومی، یعنی انتظار مردم از دریافت مثبت به خواسته‌های آنان از طریق متولیان امور عمومی (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰). اعتماد عمومی ماهیتی جامعه‌شناختی دارد و می‌توان آن را در عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه رصد کرد. اعتماد عمومی حاصل باور افراد به توانایی‌های آنان در اثرگذاری بر فراگرد توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب

قابل ارائه باشد (جنسن^۱، ۲۰۰۱). پاسخگویی یعنی اینکه فرد سرزنش یا ستایش ناشی از اخذ یک تصمیم یا انجام یک اقدام را بپذیرد (هیوز، ۱۳۹۲: ۲۸۴). پاسخگویی عمومی در برابر شهروندان خارج از سازمان صورت می‌گیرد که ترکیبی از پاسخگویی غایی سیاسی و پاسخگویی در برابر ارباب رجوع است (مینوارینگ^۲، ۲۰۰۳). در پاسخگویی عمومی، مقامات محلی به مسئولان محلی انتخاب شده یا انتصابی پاسخگویند. (اسلام و همکاران^۳، ۲۰۱۰: ۳)

پاسخگویی موجب افزایش کمال در حاکمیت عمومی می‌شود. مهم‌ترین اثرات پاسخگویی به عموم عبارتند از: محافظت در برابر فساد اداری، جلوگیری از خویشاوندگرایی و سوء استفاده از قدرت. فرض بر این است که پاسخگویی از سوء استفاده مخفیانه مدیران دولتی نسبت به اختیاراتی که به آنها واگذار شده است جلوگیری می‌کند و برای نظارت‌کنندگان که شامل روزنامه‌نگاران، گروه‌های ذی‌نفع، اعضای پارلمان و همچنین سایر کنترل‌کننده‌های رسمی، فراهم آورنده اطلاعات اساسی جهت ردیابی سوء استفاده اداری است (بوونز، ۲۰۰۳: ۱۳). پاسخگویی نه تنها مشخصه یک حکومت دموکراتیک است، بلکه شرط ضروری برای حاکمیت عمومی دموکراتیک نیز می‌باشد. حساب پس دادن عمومی، شرط لازم برای یک فرایند دموکراتیک است؛ زیرا در پایان، فراهم‌آورنده موقعیت برای رأی‌دهندگان و نمایندگان سیاسی دارای صلاحیت است که در مورد عدالت، اثربخشی و بهره‌وری حاکمیت قضاوت کنند (همان: ۱۴). یک حاکمیت عمومی، منابع خویش را برای پاسخگویی به مشکلات جمعی مدیریت، تخصیص می‌دهد. سازمان ملل متحد حاکمیت عمومی را نمایش مشارکت، شفافیت و پاسخگویی می‌داند. حاکمیت عمومی شالوده ثبات و موفقیت اقتصادی است. (سازمان ملل، ۲۰۰۷: ۴)

^۱ . Jensen

^۲ . Mainwaring

^۳ . Islam

پاسخگویی و حساب‌پس‌دهی دولت اشاره دارد. (بلانگر و نادو، ۲۰۰۵)

در تعاریفی که از اعتماد ارائه شده است، آن را عموماً انتظار رفتارهای صادقانه و فاقد منفعت‌جویی از دیگران می‌دانند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۲). بر همین اساس، اعتماد عمومی نیز باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببینند. اعتماد عمومی؛ یعنی انتظار مردم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌های آنان از طریق متولیان امور عمومی. (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰)

فرهنگ اعتماد چیزی است که شهروندان حس می‌کنند شانس کم و بیش برابر در تغییر تصمیمات سیاسی را دارند. حاکمیت عمومی نتیجه فرهنگ اعتماد است (سازمان ملل، ۱۹۹۷: ۱۵). در حالی که حاکمیت عمومی سبب توسعه اعتماد می‌شود، اعتماد یک پیش‌نیاز برای حاکمیت عمومی است. (هترینگتون، ۲۰۰۵)

تعریف حاکمیت عمومی

حاکمیت را می‌توان «نفوذ هدایت‌شده در فرایندهای اجتماعی» تعریف کرد که سازوکارهای مختلفی در آن درگیرند، که برخی از آنها بسیار پیچیده‌اند و فقط از بازیگران بخش دولتی سرچشمه نمی‌گیرند. ارائه تعریفی از حاکمیت، چالشی، ظریف و پیچیده است (بووارید و لوفر، ۲۰۰۳). حاکمیت، فرایندی است که از آن طریق، جوامع یا سازمان‌ها تصمیمات مهم خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. سیستم حاکمیت، چارچوبی است که فرایند، متکی بر آن است؛ بدین معنی که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادها و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ شوند و وظایف چگونه اجرا می‌شوند (درجزلر، ۲۰۰۴). به اعتقاد میکالسکی و همکاران، در حاکمیت عمومی؛ قدرت، حکومت و حاکمیت در

اختیار بخش عمومی و جامعه مدنی است و جامعه به وسیله آن، امور خود را سازماندهی می‌کند (میکالسکی و همکاران، ۲۰۰۷). حاکمیت عمومی متوجه نحوه اعمال قدرت بین بخش‌های مختلف جامعه با منافع مختلف است؛ به گونه‌ای که آزادی‌های مرسوم فراهم شود، تجارت رونق گیرد و فرهنگ و هنرهای مختلف امکان رشد پیدا کنند (پیلای، ۲۰۰۴). بووارید و لوفر معتقدند که حاکمیت عمومی شامل راه‌هایی است که از طریق آنها ذی‌نفعان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا بر نتایج خط مشی‌گذاری‌های دولت تأثیر بگذارند (بووارید و لوفر، ۲۰۰۵: ۶). پس، حاکمیت عمومی به خودی خود مهم است؛ زیرا شرایط لازم برای انجام کارهایی که مردم ارزش فوق‌العاده‌ای برای آنها قائلند فراهم می‌کند؛ نظیر آزادی فردی (آزادی‌های اجتماعی، مذهبی، کسب و کارها و غیره)، حاکمیت قانون و مانند آن. هر چند دولت تأثیر مهمی روی بسیاری از مسائل مورد توجه جامعه دارد، با این حال، تنها یکی از عوامل تأثیرگذار است (می‌کوپلس، ۲۰۰۷). حاکمیت عمومی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، خط‌مشی‌ها و نهادهاست که یک جامعه بر اساس آنها و از طریق تعامل میان دولت و جامعه مدنی و بخش خصوصی اقتصاد، سیاست و امور اجتماعی خود را مدیریت می‌کند. (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷: ۱۳)

الگوی مفهومی پژوهش

برای تدوین فرضیات تحقیق، هر پژوهشگری نیازمند الگوی مفهومی است تا بر اساس آن، ضمن شناسایی متغیرهای پژوهش، روابط بین متغیرها را مشخص و فرضیات تحقیق را تبیین کند. الگوی مفهومی در این پژوهش بر اساس روش کیفی مبتنی بر راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به دست آمده است (فیضی و همکاران، زیر چاپ) که به صورت شکل ۱ نمایش داده می‌شود.

1. Belanger & Nadeau

2. Hetherington

3. Bovaird & Löffler

4. Drechsler

5. Michalski

6. Pillay

7. Mimicopoulos

فرضیه ۵) میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی از طریق اعتماد عمومی در سازمانهای دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

از آنجا که هدف پژوهش تعیین نوع روابط میان متغیرهای تمرکززدایی اداری، حاکمیت عمومی، پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی است، پس تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و از نوع پیمایشی است و به طور مشخص مبتنی بر الگوی معادلات ساختاری است. برای بررسی روابط میان متغیرها، در دهه‌های اخیر روش‌های فراوانی ارائه شده است.

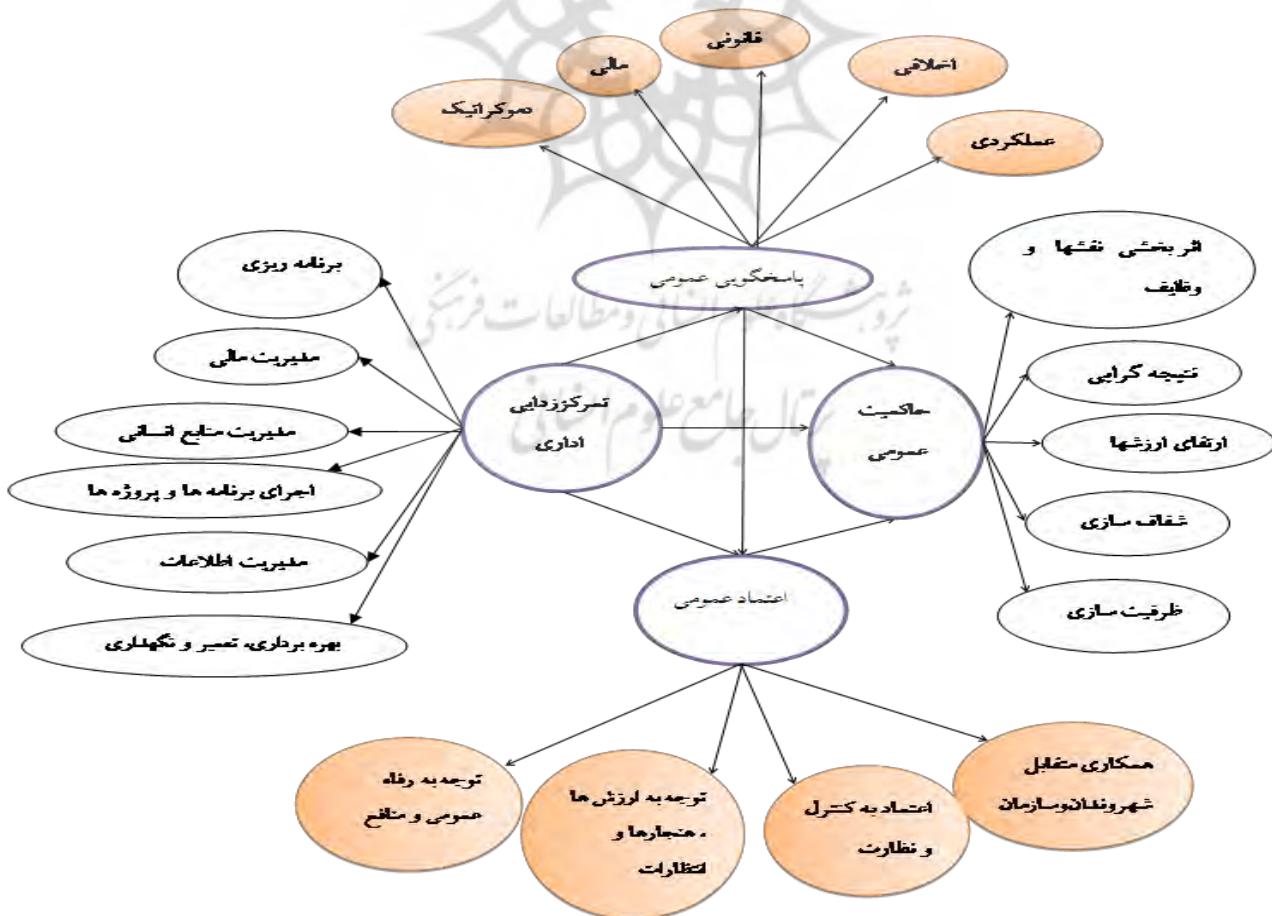
با توجه به الگوی مفهومی پژوهش، فرضیات تحقیق عبارتند از:

فرضیه ۱) میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی در سازمانهای دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲) میان پاسخگویی عمومی با حاکمیت عمومی در سازمانهای دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳) میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی از طریق پاسخگویی عمومی در سازمانهای دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴) میان اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی در سازمانهای دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش

پرسشنامه توزیع شد که از این تعداد، ۳۱۱ پرسشنامه ارجاع داده شد و از این تعداد، ۳۰۰ پرسشنامه قابل قبول مبنای پژوهش قرار گرفت. جدول ۱، تعداد پرسشنامه‌های پخش شده در هر پنج سازمان را به تفکیک نشان می‌دهد. برای آزمون فرضیه‌ها از روش الگوسازی معادلات ساختاری توسط نرم‌افزار آموس^۱ و لیزرل^۲ و برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۳ استفاده شده است.

فرمول ۱: نمونه‌گیری خوشه‌ای (لوی و لمیشو، ۱۳۸۱: ۲۸۰)

$$= 0.07 < 0.1$$

$$v_{1x}^2 = .138$$

$$m = \frac{Z_{1-(\alpha/2)}^2 M V_{1x}^2}{Z_{1-(\alpha/2)}^2 V_{1x}^2 + (M-1)\epsilon^2} = \frac{1.96^2 \times 14 \times 0.138}{1.96^2 \times 0.138 + (14-1)0.07^2} = 5$$

M ، تعداد خوشه‌ها در جامعه؛ $Z_{1-(\alpha/2)}^2$ ضریب قابلیت اعتماد، و ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که بر حسب حداکثر تفاوت نسبی مجاز بین برآوردها و پارامتر نامعلوم جامعه برای برآورد تعیین شده است. (همان)

با توجه به مجموع کل کارکنان ادارات کل سازمان‌های مورد مطالعه مستقر در شیراز که ۱۵۰۰ نفر برآورد شدند، تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوچران ۳۰۰ نفر به دست آمد. فرمول ۲: نمونه‌گیری ساده تصادفی (آذر و مومنی، ۱۳۸۷)

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)(0.05)}}{1 + \frac{1}{1500} \left(\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)(0.05)} - 1 \right)} \approx 300$$

1. AMOS
2. Lisrel
3. SPSS

یکی از این روش‌ها، الگوی معادلات ساختاری یا تحلیل چندمتغیری با متغیرهای مکنون است. الگوی معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای مکنون است. از طریق این رویکرد می‌توان قابل قبول بودن الگوهای نظری را در جوامع خاص آزمون کرد و از آنجا که اکثر متغیرهای موجود در تحقیقات مدیریتی به صورت مکنون یا پوشیده و پنهان هستند، ضرورت استفاده از این الگوها روزبه‌روز بیشتر می‌شود (فاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲). در این پژوهش، ابتدا با بررسی منابع کتابخانه‌ای و مقالات مرتبط در این زمینه، مبانی نظری پژوهش تدوین شد. سپس الگوی مطرح‌شده، به عنوان الگوی مفهومی پژوهش قرار گرفت. در الگوی مفهومی این تحقیق: متغیر تمرکززدایی اداری، متغیر برون‌زا و متغیرهای پاسخگویی عمومی، اعتماد عمومی و حاکمیت عمومی، متغیرهای درون‌زا هستند. از چهار پرسشنامه که دارای سؤالات با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بود، برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. پرسشنامه تمرکززدایی اداری شامل ۳۸ سؤال، پرسشنامه حاکمیت عمومی دارای ۱۷ سؤال، پرسشنامه پاسخگویی عمومی شامل ۱۹ سؤال و پرسشنامه اعتماد عمومی دارای ۱۵ سؤال بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کارکنان سازمان‌های دولتی استان فارس است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری خوشه‌ای (فرمول ۱) حجم نمونه آماری برابر ۵ است؛ ۵ سازمان در شهرستان شیراز به صورت تصافی انتخاب شدند که عبارتند از: سازمان آموزش و پرورش، سازمان امور مالیاتی و دارایی، سازمان جهاد کشاورزی، سازمان منابع طبیعی و استانداری فارس. با توجه به تعداد پرسنل این پنج سازمان در شهرستان شیراز و با توجه به فرمول کوچران (فرمول ۲)، ۳۰۰ تن از کارکنان این سازمان‌ها به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جلوگیری از میزان افت حاصل از عدم برگشت پرسشنامه‌ها، تعداد ۳۲۷

اجزای تشکیل دهنده پرسشنامه تمرکززدایی اداری (گویه‌ها) و اطمینان از معرف بودن ویژگی‌های لازم که پژوهشگر قصد اندازه‌گیری آنها را دارد، از روایی عاملی استفاده شده است. اعتبار عاملی صورتی از اعتبار سازه است که از طریق تحلیل عاملی به دست می‌آید (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۸). برای سنجش حاکمیت عمومی، از پرسشنامه استاندارد حاکمیت عمومی در ارائه خدمات^۱ (۲۰۰۴)، برای سنجش پاسخگویی عمومی از پرسشنامه پاسخگویی عمومی جنسن (۲۰۰۱) و برای سنجش اعتماد عمومی، از پرسشنامه نندوال و همکاران^۲ (۲۰۰۲) استفاده شد.

پایایی پرسشنامه‌ها

قابلیت اعتماد یا پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. مفهوم یاد شده با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۴). برای تعیین میزان پایایی پرسشنامه، از روش تعیین ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود (آذر و مؤمنی، ۱۳۸۷). این مقدار برای هر پرسشنامه، در جدول ۲ نشان داده شده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ در تحقیقات علوم انسانی مورد قبول است، لذا پایایی پرسشنامه‌ها با توجه به نتایج جدول ۲، تأیید می‌شود.

جدول ۲. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌ها

نام متغیر	تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
تمرکززدایی اداری	۳۸	۰/۹۲۳
حاکمیت عمومی	۱۷	۰/۹۴۱
پاسخگویی عمومی	۱۹	۰/۹۰۱
اعتماد عمومی	۱۵	۰/۹۱۶

$n =$ حجم نمونه؛ $Z =$ مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد، که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱,۹۶ است؛ $P =$ مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است. اگر در اختیار نباشد می‌توان آن را ۰/۵ در نظر گرفت. در این حالت، مقدار واریانس به حداکثر مقدار خود می‌رسد؛ $q =$ درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند ($q = 1 - p$)؛ $d =$ مقدار اشتباه مجاز.

جدول ۱: نمونه‌های آماری به تفکیک سازمان‌ها

درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۲۰/۳	۲۰/۳	۱۸/۷	۶۱
۳۷/۷	۱۷/۳	۱۵/۹	۵۲
۵۷/۳	۱۹/۷	۱۸/۰	۵۹
۷۷/۳	۲۰/۰	۱۸/۳	۶۰
۱۰۰/۰	۲۲/۷	۲۰/۸	۶۸
	۱۰۰/۰	۹۱/۷	۳۰۰
		۸/۳	۲۷
		۱۰۰/۰	۳۲۷

تعیین روایی و پایایی پرسشنامه

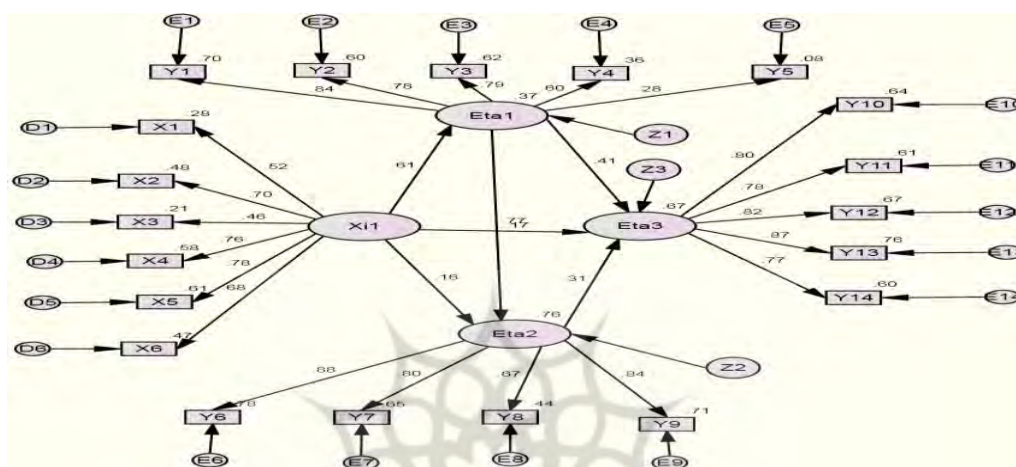
روایی پرسشنامه‌ها

مفهوم روایی به این پرسش پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۰). به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه‌ها در این تحقیق از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد. الگوی تمرکززدایی اداری در این پژوهش با استفاده از روش کیفی مبتنی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد به دست آمده است (فیضی و همکاران، ۲۰۱۵) و پرسشنامه تمرکززدایی اداری در این پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق ساخته است که به منظور اطمینان از روایی آن از نظرات اساتید فن در رشته مدیریت دولتی و همچنین از نظرات اساتید راهنما و مشاور استفاده شد و همچنین با اجرای پیش‌آزمون، روایی این پرسشنامه تأیید شد. در مرحله بعد برای بررسی

تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش آماری به کار گرفته شده برای این پژوهش «الگوسازی معادلات ساختاری» است. این روش یکی از روش‌های رایج چند دهه اخیر در علوم اجتماعی، علوم مدیریت و پزشکی بوده است. این الگوسازی مشخص می‌کند که داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه آماری،

الگوی نظری را مورد حمایت قرار می‌دهند یا خیر و کدام جزء الگو توسط داده‌ها تأیید و کدام یک نیاز به اصلاح دارد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴). در شکل ۲ و جدول ۳، نتایج حاصل از آزمون معادلات ساختاری الگوی مفهومی پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۲: نتایج حاصل از الگوی مفهومی پژوهش

جدول ۳: وزن‌های رگرسیونی الگوی ساختاری

سطح معنادار ی	مقدار t	خطای استاندارد	برآورد استاندارد	برآورد غیر استاندارد	تمرکززدایی اداری	پاسخگویی عمومی
۰/۰۳۲	۲/۱۴۹	۰/۴۱۹	۰/۶۰۹	۰/۹۰۱	تمرکززدایی اداری	پاسخگویی عمومی
۰/۵۰۱	۰/۶۷۳	۰/۲۵۶	۰/۱۵۶	۰/۱۷۲	تمرکززدایی اداری	اعتماد عمومی
۰/۰۰۵	۲/۷۹۸	۰/۲۰۵	۰/۷۶۹	۰/۵۷۴	پاسخگویی عمومی	اعتماد عمومی
۰/۴۷۳	۰/۷۱۸	۰/۳۰۷	۰/۳۱۰	۰/۲۲۱	اعتماد عمومی	حاکمیت عمومی
۰/۳۵۴	۰/۹۲۷	۰/۲۳۱	۰/۴۱۳	۰/۲۱۴	پاسخگویی عمومی	حاکمیت عمومی
۰/۵۲۹	۰/۶۳۰	۰/۱۸۴	۰/۱۷۰	۰/۱۱۶	تمرکززدایی اداری	حاکمیت عمومی

جدول ۴: برازش الگوی مفهومی

عنوان شاخص	دامنه مورد قبول	مقدار	نتیجه
ریشه دوم میانگین مجذور خطاهای برآورد	$RMSEA \leq 0.8$	۰/۹۳۱	عدم تأیید الگو
برازش هنجاری	$NFI \geq 0.9$	۰/۷۹۶	عدم تأیید الگو
برازش افزایشی	$IFI \geq 0.9$	۰/۸۱۶	عدم تأیید الگو
نیکی برازش	$GFI \geq 0.9$	۰/۷۵۷	عدم تأیید الگو
برازش هنجار شده مقتصد	$PNFI \geq 0.6$	۰/۵۴۲	عدم تأیید الگو
برازش تطبیقی مقتصد	$PCFI \geq 0.6$	۰/۵۶۸	عدم تأیید الگو

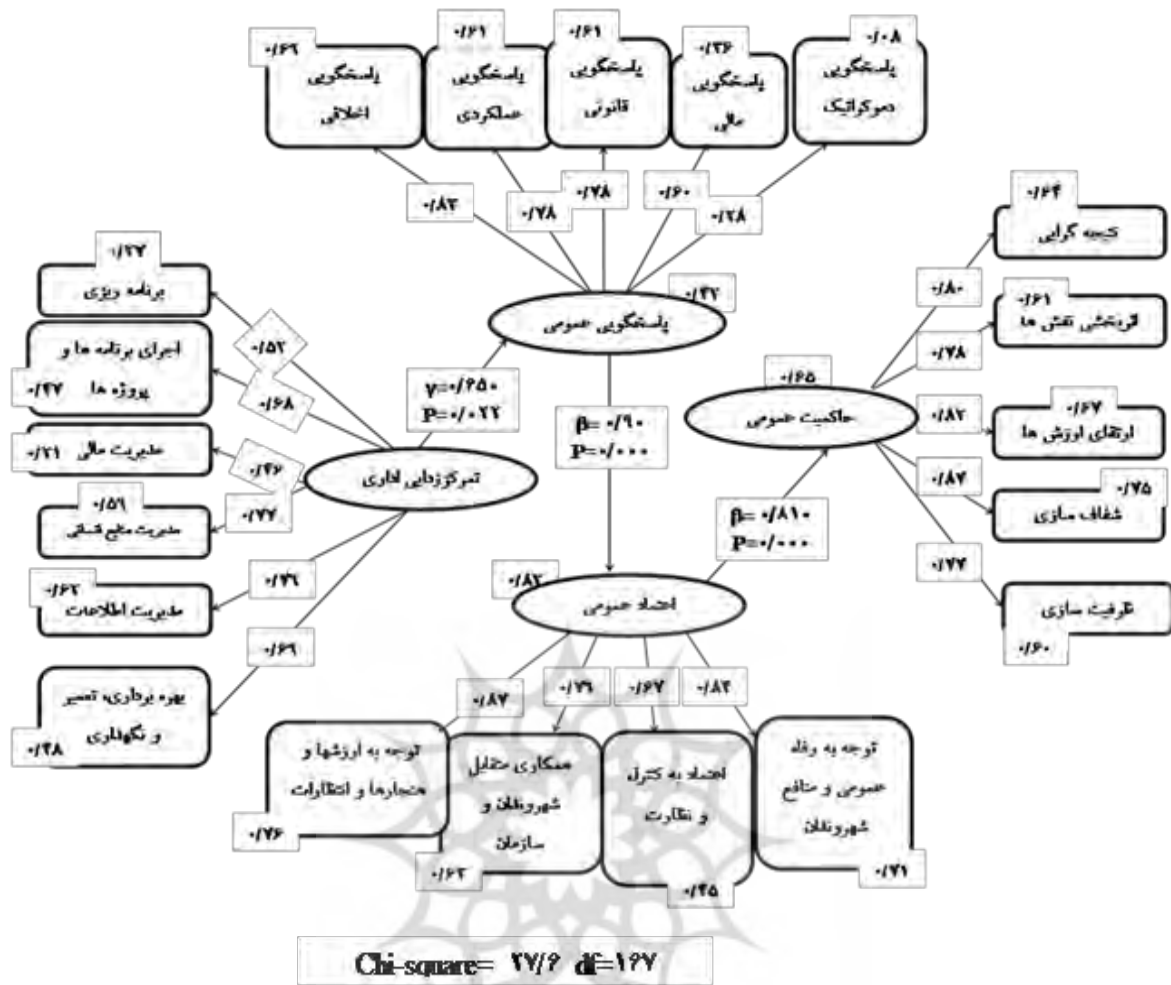
جدول ۶: روابط کل میان متغیر تمرکززدایی اداری با سایر متغیرها

تمرکززدایی اداری	
اصطلاح رابطه	γ
پاسخگویی عمومی	0/61
مقدار t	9/85
معناداری سطح	$P < 0/01$
اعتماد عمومی	0/47
مقدار t	9/11
معناداری سطح	$P < 0/01$
حاکمیت عمومی	0/19
مقدار t	5/90
معناداری سطح	$P < 0/01$

با توجه به جدول ۳ و عدم تأیید رابطه بین تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی و جدول ۴ و عدم برازش مناسب الگوی مفهومی پژوهش، روابط تأیید نشده در الگوی مفهومی پژوهش یک به یک حذف و الگوی جدید به دست آمده مورد آزمون قرار گرفت تا الگوی نهایی تحقیق به صورت شکل ۳ به دست آمد. نتایج حاصل از تحلیل الگوی نهایی تحقیق در شکل ۳ و جدول ۵ و نتایج روابط کل میان متغیرهای تحقیق در جدول ۶ و روابط غیر مستقیم در جدول ۷ و نتایج برازش الگوی نهایی پژوهش در جدول ۸ نشان داده شده است. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که روابط میان متغیرهای تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۵: جدول وزن‌های رگرسیونی الگوی نهایی پژوهش

سطح معناداری	مقدار t	خطای استاندارد	برآورد غیراستاندارد	برآورد استاندارد	ی
۰/۰۲۲	۲/۲۸۸	۰/۴۰۸	۰/۶۴۶	۰/۹۳۴	تمرکززدایی اداری
***	۳/۸۳۳	۰/۱۷۸	۰/۹۰۳	۰/۶۸۳	پاسخگویی عمومی
***	۳/۳۰۱	۰/۱۶۹	۰/۸۰۵	۰/۵۵۷	حاکمیت عمومی



شکل ۳: الگوی نهایی پژوهش

جدول ۷: روابط غیر مستقیم میان متغیرهای تحقیق

در این تحقیق به منظور نشان دادن برازش الگوی نهایی پژوهش هر سه شاخص برازش مطلق، تطبیقی و مقتصد و نیز ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد بیان می‌شوند. نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که کلیه شاخص‌های برازش الگو در وضعیت مناسبی قرار دارند و این نشان از برازش مناسب الگوی نهایی پژوهش است.

	پاسخگویی عمومی	اعتماد عمومی	حاکمیت عمومی
اصطلاح رابطه	β	β	β
پاسخگویی عمومی	---	---	---
اعتماد عمومی	0/76	---	---
t مقدار	14/07	---	---
معناداری سطح	$P < 0/01$	---	---
حاکمیت عمومی	0/31	0/40	---
t مقدار	6/78	7/03	---
معناداری سطح	$P < 0/01$	$P < 0/01$	---

نتایج آزمون الگوی معادلات ساختاری در جدول ۶ نشان می‌دهد: $F=0/19$ ؛ $t=5/90$ ؛ $P<0/01$ ؛ که در سطح اطمینان ۹۹ درصد به طور کلی رابطه معنادار میان تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار گرفته است؛ اما مطابق جدول ۵ و ۶ و الگوی نهایی پژوهش (شکل ۳) و فرمول نهایی پژوهش (فرمول ۳) این رابطه، رابطه‌ای غیر مستقیم است که با تأثیر دو متغیر پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی برقرار می‌شود. پس رابطه مستقیم میان تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی مطابق الگوی نهایی پژوهش (شکل ۳) و جدول ۵، مورد تأیید قرار نگرفته است؛ اما رابطه غیر مستقیم میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی از طریق تأثیر دو متغیر مدخله‌گر پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی به صورت «رابطه میان تمرکززدایی اداری با پاسخگویی عمومی و رابطه میان پاسخگویی عمومی با اعتماد عمومی و رابطه میان اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی» مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه ۲: میان پاسخگویی عمومی با حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

از نظر آماری این فرضیه به صورت ذیل مطرح می‌شود:

H_0 : پاسخگویی عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری ندارد: $H_0: =0$

H_1 : پاسخگویی عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری دارد: $H_1: \neq 0$

نتایج آزمون الگوی معادلات ساختاری در جدول ۷ نشان می‌دهد: « $\theta/31$ ؛ $t=6/78$ ؛ $P<0/01$ ؛ که در سطح اطمینان ۹۹ درصد به طور کلی رابطه معنادار میان پاسخگویی عمومی و حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار گرفته است. اما مطابق جدول ۶ و ۷ و الگوی نهایی پژوهش (شکل ۳) رابطه میان

جدول (۸): آزمون‌های برازندگی الگو

عنوان شاخص	دامنه مورد قبول	مقدار	نتیجه
ریشه دوم میانگین مجذور خطاهای برآورد	$RMSEA \leq 0.8$	۰/۰۰۰	تأیید الگو
کای اسکوتر و درجه آزادی	$\frac{\chi^2}{df} \leq 2$	۰/۱۶۱	تأیید الگو
بrazش هنجاری	$NFI \geq 0.9$	۰/۹۸۵	تأیید الگو
بrazش افزایشی	$IFI \geq 0.9$	۳/۰۴۴	تأیید الگو
نیکویی Brazش	$GFI \geq 0.9$	۱/۰۰۰	تأیید الگو
بrazش هنجار شده مقتصد	$PNFI \geq 0.6$	۰/۷۸۴	تأیید الگو
بrazش تطبیقی مقتصد	$PCFI \geq 0.6$	۰/۸۸۶	تأیید الگو
شاخص Brazش افزایشی	$IFI \geq 0.9$	۰/۹۷۱	تأیید الگو
شاخص توکل‌نویس	$TLI \geq 0.9$	۴/۳۶۶	تأیید الگو
بrazش تطبیقی	$CFI \geq 0.9$	۱/۰۰۰	تأیید الگو

با توجه به الگوی نهایی پژوهش، فرمول معادله ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل به صورت فرمول ۳ به دست آمده است:

فرمول ۳: معادله نهایی پژوهش

$$\text{Public Governance} = 0.34 * \text{Public Accountability} + 0.40 * \text{Public Trust} + 0.14 * \text{Administrative Decentralization},$$

$$\text{Error var.} = 0.28 \quad R^2 = 0.70$$

آزمون فرضیه‌های تحقیق با توجه به نتایج حاصل از الگوی نهایی پژوهش

فرضیه ۱: میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

از نظر آماری این فرضیه به صورت ذیل مطرح می‌شود:

H_0 : تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی رابطه معناداری ندارد: $H_0: =0$

H_1 : تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی رابطه معناداری دارد: $H_1: \neq 0$

H_1 : اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی رابطه
معناداری دارد: $H_1: \neq 0$

نتایج آزمون الگوی معادلات ساختاری در جدول ۵ و ۶ نشان می‌دهد: « $\Theta/805$ ؛ $t=3/303$ ؛ $P<0/01$ »؛ که در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معنادار میان اعتماد عمومی و حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه ۵: میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی از طریق اعتماد عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

از نظر آماری این فرضیه به صورت ذیل مطرح می‌شود:

H_0 : تمرکززدایی اداری از طریق اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری ندارد: $H_0: =0$

H_1 : تمرکززدایی اداری از طریق اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری دارد: $H_1: \neq 0$

نتایج آزمون الگوی معادلات ساختاری در جدول ۵ و شکل ۳ نشان می‌دهد: « $\Theta/000$ ؛ $t=000$ ؛ $P<000$ »؛ که رابطه معنادار میان تمرکززدایی اداری و اعتماد عمومی مورد تأیید قرار نگرفته است. اما با اینکه مطابق جدول ۵ و شکل ۳ رابطه میان اعتماد عمومی و حاکمیت عمومی « $\Theta/805$ ؛ $t=3/303$ ؛ $P<0/01$ » در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که تمرکززدایی اداری از طریق اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، بررسی روابط میان تمرکززدایی اداری، حاکمیت عمومی، پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی بوده است. به این منظور، الگوی مفهومی پژوهش با استفاده از روش کیفی مبتنی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد طراحی و تدوین شد (فیضی و همکاران، زیر چاپ) و با

پاسخگویی عمومی و حاکمیت عمومی غیر مستقیم است و با تأثیر متغیر اعتماد عمومی برقرار می‌شود و رابطه مستقیم میان پاسخگویی عمومی و حاکمیت عمومی مطابق الگوی نهایی پژوهش (شکل ۳) و جدول ۷، تأیید نشده است.

فرضیه ۳: میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی از طریق پاسخگویی عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

از نظر آماری این فرضیه به صورت ذیل مطرح می‌شود:

H_0 : تمرکززدایی اداری از طریق پاسخگویی عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری ندارد: $H_0: =0$

H_1 : تمرکززدایی اداری از طریق پاسخگویی عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری دارد: $H_1: \neq 0$

نتایج آزمون الگوی معادلات ساختاری در جدول ۵ و شکل ۶ و ۳، نشان می‌دهد: « $\Theta/646$ ؛ $t=2/228$ ؛ $P<0/05$ »؛ که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار میان تمرکززدایی اداری و پاسخگویی عمومی مورد تأیید قرار گرفته است. اما مطابق جدول ۵ و شکل ۳ رابطه میان پاسخگویی عمومی و حاکمیت عمومی « $\Theta/000$ ؛ $t=000$ ؛ $P<000$ » مورد تأیید قرار نگرفته است. پس می‌توان نتیجه گرفت که تمرکززدایی اداری از طریق پاسخگویی عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری ندارد.

فرضیه ۴: میان اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس رابطه معناداری وجود دارد.

از نظر آماری این فرضیه به صورت ذیل مطرح می‌شود:

H_0 : اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی رابطه معناداری ندارد: $H_0: =0$

تمرکززدایی است تا جامعه بتواند به طور کاملاً مستقل از دولت مرکزی، تصمیم‌های خود را گرفته و اجرا کند. به دلیل اجرای ضعیف تمرکززدایی اداری در سازمان‌های دولتی استان فارس، برای دستیابی به حاکمیت عمومی، وجود سازوکارهای پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی در برقراری این رابطه را می‌توان توجیه کرد.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها رابطه مستقیم میان پاسخگویی عمومی و حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار نگرفت ولی رابطه غیر مستقیم آنها با تأثیر متغیر اعتماد عمومی مورد تأیید قرار گرفت. آرکیلا^۱ (۲۰۰۷)، در تحقیقات خود نشان داد که پاسخگویی اساس حاکمیت عمومی و مدیریت دولتی است؛ زیرا متضمن این اصل است که سازمان‌هایی که قدرت عمومی را در اختیار دارند و آن را اعمال می‌کنند، در مقابل مردم پاسخگویند. آکوین و هیتزمان^۲ (۲۰۰۰) در پژوهش خود ثابت کردند که پاسخگویی با ایجاد شفافیت، موجب از بین رفتن شکاف میان مسئولان و مردم یا حکومت و حاکمیت‌شوندگان می‌شود و حاکمیت را بهبود می‌بخشد. هارلو^۳ (۲۰۰۹) و استورم و لویپا^۴ (۲۰۰۳) اعتقاد دارند که پاسخگویی در نظام‌های مردم‌سالار عاملی جهت تقویت و تحکیم روابط دولت و مردم و عامل توسعه حاکمیت عمومی تلقی می‌شود. از نظر نگارندگان، سازمان‌های دولتی استان فارس توسط دولت مرکزی ایجاد شده‌اند و جامعه محلی نقشی در هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی‌های جامع منطقه‌ای و استخدام کارکنان و بودجه‌ریزی آنها ندارد. پس این سازمان‌ها به جامعه محلی پاسخگو نیستند، بلکه به وزارتخانه مرکزی پاسخگویند. به همین دلیل، پاسخگویی نمی‌تواند به طور مستقیم به حاکمیت عمومی منجر شود. دلیل تأثیر اعتماد عمومی در این رابطه، رضایت عمومی از دریافت خدمات و کالاهای عمومی است. اگر شهروندان از دریافت خدمات رضایت داشته باشند، اعتماد عمومی

استفاده از نرم‌افزار آموس و لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت، الگوی نهایی پژوهش (شکل ۳) به عنوان بهترین تبیین از این روابط، آشکار و مشخص شد که تمرکززدایی اداری از طریق پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی با حاکمیت عمومی ارتباط دارد و پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی به عنوان متغیرهای مداخله‌گر در برقراری این ارتباط مؤثرند.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، رابطه مستقیم میان تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار نگرفت؛ اما رابطه غیر مستقیم میان تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی با تأثیر دو متغیر پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی تأیید شد. رابطه مستقیم میان عدم تمرکز و حاکمیت عمومی توسط راندینلی و چیمما (۱۹۸۳)، چارلیک (۱۹۹۲)، ون‌گراف و بن‌سالم (۱۹۹۲)، ون‌سینت (۱۹۹۷)، نیری (۱۹۹۸)، سازمان ملل (۲۰۰۰) و اتحادیه اروپا (۲۰۰۷) مورد تأیید قرار گرفته است. نتیجه حاصل از تحلیل این فرضیه، با نتایج تحقیقات بیان شده در تناقض است. از نظر نگارندگان، علت عدم تأیید رابطه مستقیم میان تمرکززدایی اداری و حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس این است که تمرکززدایی اداری در سازمان‌های دولتی استان فارس به صورت کامل و در معنای واقعی کلمه نیست، بلکه در بعضی موارد اجرا شده و در بعضی موارد اجرا نشده است. طبق یافته‌های محققان در این پژوهش، چیزی که توسط کارکنان سازمان‌های دولتی استان فارس از آن به عنوان تمرکززدایی اداری در این پژوهش یاد شد، اجرای ضعیفی از تمرکززدایی است. برای تأیید این موضوع به سخن یکی از مدیران استناد می‌شود که گفت: «با وجود قوانین تأکیدکننده بر اجرای تمرکززدایی، اکثر برنامه‌ها و طرح‌های سازمان از مقامات بالا ابلاغ شده و سازمان استانی صرفاً مجری دستورات ابلاغی از وزارتخانه مرکزی است و مدیران در بیشتر موارد دوست دارند با تهران هماهنگ باشند». از نظر نگارندگان، برای دستیابی به حاکمیت عمومی به تمرکززدایی سیاسی (فدرالیسم) نیاز است که بالاترین میزان

1. Erkkila

2. Aucoin & Heintzman

3. Harlow

4. Storm & Lupia

عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار نگرفت. چیما و پوپووسکی^۶ (۲۰۰۷)، روت/استین^۷ (۲۰۰۱)، بوکارت و وندوال^۸ (۲۰۰۱)، روت/استین و استول^۹ (۲۰۰۳) و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (۲۰۰۹) در پژوهش‌های خود ثابت کردند که در حکومت‌های محلی تمرکززدایی شده، رضایت از نحوه ارائه کالاها و خدمات باعث افزایش اعتماد به دولت می‌شود که بر بهبود حاکمیت عمومی تأثیر دارد. بر اساس یافته‌های نگارندگان و با توجه به تعریف اعتماد عمومی که عدم اجرای رفتاری فرصت‌طلبانه در کردار و گفتار طرف مقابل است، عدم وجود رابطه میان تمرکززدایی اداری با اعتماد عمومی می‌تواند به این دلیل باشد که سازمان‌های دولتی و کارکنان و مدیران آن از طرف دولت انتخاب و منصوب می‌شوند. این امر باعث شده که شاید در مواردی مردم محلی این باور را داشته باشند که این سازمان‌ها تأمین‌کننده و ایجاد کننده منافع برای دولت مرکزی‌اند، نه اینکه این سازمان‌ها متعلق به بخش عمومی بوده و در جهت رفع نیازهای عمومی جامعه تلاش می‌کنند. به گفته برخی مدیران و نیز یافته‌های نگارندگان در یکی از سازمان‌های مورد مطالعه برخی از ارباب رجوع‌ها حتی از دادن آمار و اطلاعات صحیح خود به کارکنان امتناع می‌کردند.

آنها نسبت به سازمان‌های دولتی افزایش می‌یابد و این امر به حاکمیت عمومی منجر می‌شود.

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، رابطه میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی از طریق پاسخگویی عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار نگرفت. کوهن و پترسون^۱ (۱۹۹۹)، باردهان و موخرجی^۲ (۲۰۰۶)، آگروال و ریوت^۳ (۲۰۰۰) و آرکیلا (۲۰۰۷) در تحقیقات خود نشان دادند که پاسخگویی به عنوان متغیر مداخله‌گر در رابطه میان تمرکززدایی و حاکمیت عمومی نقش دارد. نتایج حاصل از تحقیقات بیان‌شده در تناقض با نتیجه این فرضیه است. طبق تعریف سازمان مدیریت دولتی و مدیریت مالی انگلستان، حاکمیت عمومی راه‌های تأثیر ذی‌نفعان بر نتایج سیاست‌های دولت است. با توجه به اینکه در سازمان‌های دولتی استان فارس تمرکززدایی به معنای واقعی وجود ندارد و جامعه محلی تقریباً نقشی در تصمیم‌گیری‌ها و شیوه عملکرد سازمان‌های دولتی ندارد، پس عدم تأیید این رابطه، منطقی به نظر می‌رسد.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، رابطه میان اعتماد عمومی و حاکمیت عمومی در سازمان‌های دولتی استان فارس مورد تأیید قرار گرفت. افزایش اعتماد از طریق سیاستگذاری اقتصادی مؤثر، سبب ایجاد حاکمیت عمومی می‌شود (ردبورم و باس^۴، ۲۰۰۴: ۱۶۳). به اعتقاد هنرینگتون (۲۰۰۵)، اعتماد عمومی به صورت‌های اجتماعی و سیاسی، شرایط اساسی یک حاکمیت عمومی است. حاکمیت عمومی و اعتماد با یکدیگر تعامل دارند. اعتماد سبب ایجاد حاکمیت عمومی می‌شود و عکس آن نیز صادق است. تامسون^۵ (۲۰۰۴) معتقد است که اعتماد عمومی به عنوان موتور اصلی حاکمیت عمومی است.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، رابطه میان تمرکززدایی اداری با حاکمیت عمومی از طریق اعتماد

منابع

^۶. Cheema & Popovski
^۷. Rothstein
^۸. Bouckaert & Van de Walle
^۹. Rothstein & Stolle

^۱. Cohen & Peterson
^۲. Bardhan & Mookherjee
^۳. Agrawal & Ribot
^۴. Redburn, F. S. & Buss
^۵. Thompson

- آذر، عادل، مؤمنی، منصور (۱۳۸۷)، "آمار و کاربرد آن در مدیریت"، تهران، سمت.
- آون هیوز (۱۳۹۲)، "مدیریت دولتی نوین"، ترجمه: الوانی، خلیلی شورینی و معمارزاده، چاپ دهم، تهران، انتشارات مروارید.
- اشراقی، مرتضی (۱۳۹۱)، "تثلیث اخلاق، وحدت"، اعتماد عمومی، صفحه ۷۹.
- پورعزت، علی اصغر، قلی پور، آرین و پیران نژاد، علی (۱۳۸۵)، "عدالت و اعتماد عمومی؛ ره-آورد حکومت الکترونیک"، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال شانزدهم، شماره ۳۸، صفحات: ۲-۱۳.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۲)، طراحی مدلی برای تقویت اعتماد عمومی نسبت به مدیریت دولتی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی و آذر، عادل، (۱۳۸۸)، "روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع"، تهران، صفار.
- خانباشی، محمد، زاهدی، شمس السادات، رضایی، الهام (۱۳۹۰)، "فزایش اعتماد عمومی بر پایه ارتقای فرهنگ پاسخ گویی"، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال سوم، شماره ۵، صفحات: ۶۹-۷۷.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۷۹)، "الگوهای پاسخگویی در مدیریت دولتی جدید"، کنترلر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، صفحات: ۵-۱۲.
- الوانی، سید مهدی، دانایی فرد، حسن (۱۳۸۰)، "مدیریت دولتی و اعتماد عمومی"، نشریه دانش مدیریت، شماره ۵۵، صفحات: ۹-۲۱.
- زارعی، محمد حسین (۱۳۸۳)، "حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، صفحات: ۱۵۵-۱۹۹.
- لهوی، پل اس، لمبشو، استنلی (۱۳۸۱)، "نمونه گیری: روش ها و کاربردها"، ترجمه گیتی مختاری امیرمجدی، انتشارات ستایش، تهران.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷)، "حقوق اداری"، تهران، انتشارات سمت.
- فیضی، طاهره، موغلی، علیرضا، گرامی پور، مسعود، زارع، رضا، (زیر چاپ)، "طراحی و تبیین مدل حاکمیت عمومی: مورد مطالعه سازمان های دولتی استان فارس"، نشریه مدیریت فردا.
- قاسمی، وحید، (۱۳۸۹)، "مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش اجتماعی"، تهران، جامعه شناسان.

- Aucoin, P., & Heintzman, R. (2000). "The dialectic of accountability for performance in public management reform, International of accountability for performance in public management reform". International Review of Administrative Science. 66, 45-55.
- Agrawal, Arun & Ribot. Jesse C. (2000). "Accountability in decentralization: A framework with South Asian and African cases". Journal of Developing Areas, Vol. 33, Summer, pp. 473° 502.
- Altmann, Joern., Carino, Ledivina., Flaman. Richard.,& Schulz, Ingo., (2005), "THE UNDP ROLE IN DECENTRALIZATION AND LOCAL GOVERNANCE: A JOINT UNDP-GOVERNMENT OF GERMANY EVALUATION", New York, Evaluation Office United Nations Development Program.
- Bardhan, Pranab & Mookherjee, Dilip. (2006). "DECENTRALISATION AND ACCOUNTABILITY IN INFRASTRUCTURE DELIVERY IN

- DEVELOPING COUNTRIES", The Economic Journal, 116 (January), 101° 127.
- Barnett, Camille Cates., Minis, Henry P., VanSant, Jerry., (1997), "Democratic Decentralization, Research Triangle Institute", http://www.rti.org/pubs/democr_decen.pdf.
 - Belanger E., Nadeau R.:(2005)., *Political trust and the vote in multiparty elections":The Canadian Case* European Journal of Political Research 44.
 - Bovens, M. (2005). "Public Accountability". In E. Ferlie, L. Lynne, & C. Pollit (eds.). *The Oxford Handbook of Public Management*. Oxford: Oxford University Press. pp. 182° 208.
 - Bovens, Mark. (2003), "PUBLIC ACCOUNTABILITY", Paper for the EGPA annual conference, Oeiras Portugal September 3-6, 2003. <https://www.law.kuleuven.be/integriteit/egpa/previous-egpa-conferences/lisbon-2003/bovens.pdf>.
 - Bovaird, Tony & Löffler, Elke., (2003), "Evaluating the Quality of Public Governance: Indicators, Models and Methodologies", IRAS September 2003: Symposium Evaluating the Quality of Governance pp:1-25.
 - Braithwaite, J., (1998), "Institutionalizing Distrust, Enculturating Trust, in Trust and Governance". J. Braithwaite and M. Levi (eds.) New York: Russell Sage Foundation, 343-75.
 - Bouckaert, Geert& Van de Walle, Steven. (2003). "Quality of public service delivery and trust in government". In *Governing networks* EGPA yearbook, ed. A. Salminen, 299-318.
 - Charlick, Robert. (1992). "The Concept of Governance and its Implications for A.I.D. Development Assistance Program in Africa",ARD, Washington D.C.
 - Cheema, G. Shabbir & Popovski, Vesselin (2007), "Building trust in government: Innovations in governance reform in Asia, <http://archive.unu.edu/unupress/sample-chapters/BuildingTrustInGovt.pdf>.
 - Cohen, J. M., Peterson, S. B.,(1999), "Administrative Decentralization: Strategies for Developing Countries", United Nations, Kumarian Press.
 - Drechsler, Wolfgang., (2004). "Governance and Good Governance and Government", Journal of Humanities and Social Sciences, Vol. 8, No. 4.
 - Dubnick, M. (2005), "Accountability and the Promise of Performance: In Search of the Mechanisms", Public Performance and Management Review, 28 (3), 376° 417.
 - Erkkila, T. (2007), "Governance and Accountability: A Shift In Conceptualization", Public Administration Quarterly, This paper was first presented at the Annual Conference of European Group of Public Administration, 1-4. September 2007 in Ljubljana, Slovenia, pp. 1-39.
 - European Commission, (2007). "Supporting Decentralization and Local Governance in Third Countries", Brussels , EuropeAid Cooperation Office.
 - Feizy, T, Moghali. A, Gramipour, M, Zare, R., (2015), "A MIXED METHOD RESEARCH FOR FINDING A MODEL OF ADMINISTRATIVE DECENTRALIZATION", International Journal of Asian Social Science, 5(8): 478-502. Available From: URL: <http://www.aessweb.com/journals/August2015/5007/3119>.
 - Gray, A., & Jenkins, B. (1993). "Codes of accountability in the new public sector". Accounting, Auditing & Accountability Journal, 6(3), 52-67.
 - Hetherington, M.J.(2005), " Why Trust Matters: Declining Political Trust and the Demise of American Liberalism". Princeton: Princeton University Press.
 - Harlow, C. (2009). "Accountability in the European Union". Oxford: University Press.
 - Hetherington, M.J.(2005), "Why Trust Matters: Declining Political Trust and the Demise of American Liberalism". Princeton: Princeton University Press.
 - Hill, Carolyn J., Laurence, E., Lynn, Jr., (2004), "Governance and Public

- Management, an Introduction*". Journal of Policy Analysis and Management, Vol. 23, No. 1, 3° 11.
- Islam, A. Yilmaz, S. & Beris. Y. (2010), "HOW-TO NOTE: A Framework to Assess Administrative Decentralization". http://siteresources.worldbank.org/EXTSOCIALDEVELOPMENT/Resource/s/244362-1164107274725/3182370-1164201144397/31870941277143060338/Administrative_decen-tralization.pdf
 - Jensen, L. (2001), "Image of Accountability in Danish public sector Reform", [online/http://www.inpoma.net/search/poppers/sydney/lotteJensen.Html].
 - Laffan, B. (2003), "Auditing & accountability in the European Union". Journal of European Public Policy, 10(5): 762-777.
 - Michalski, W., Miller, R., & Stevens, B. (2001). "Governance in the 21st century: Power in the global knowledge economy and society In Governance in the 21st century". Paris: Organization for Economic Cooperation and Development. pp: 7° 26.
 - Mimicopoulos, M. (2007), "public governance indicator: A literature Review", New York: United Nation, Department of Economic and Social Affairs, United Nations publication.
 - Mainwaring, S. (2003), "Democratic Accountability in Latin America", Oxford, Oxford University press.
 - Mulgan, R. (2003), "One Cheer for Hierarchy – Accountability in Disjointed Governance", Political Science, 55 (2) 6-18.
 - Mulgan, R. (2000), "Accountability: an ever-expanding concept?"; Public Administration, 78 (3): 555-573.
 - Nyiri, Zsolt. (1994), "DECENTRALIZATION AND GOOD GOVERNANCE: TEN YEARS OF HUNGARIAN EXPERIENCE", <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/nispac/unpan005561.pdf>
 - OPM & CIPFA, (2004), "The Good Governance Standard for Public Services, The Independent Commission on Public Governance in Public Services", Hackney Press Ltd. www.opm.co.uk, www.cipfa.org.uk.
 - Pillay, S., (2004), "Corruption--The Challenge to Good Governance: A South African Perspective", International Journal of Public Sector Management, 17(6-7): 586-605.
 - Pollitt, C. & Bouckaert, G. (2005), "Public Management Reform: A Comparative Analysis", Second Edition, Oxford: OUP.
 - Redburn, F. S. & Buss. T.F. (2004). "Modernizing Democracy: Citizen Participation in the Information Revolution," in Sound Governance: Policy and Administrative Innovations". A. Farazmand (ed.) Westport, Conn.: Praeger: 155-169.
 - Rondinelli, Dennis., Cheema, Shabbir. (1983), "Implementing Decentralization Policies: An Introduction, in Decentralization and Development: Policy Implementation in Developing Countries", Beverly Hills, California: Sage.
 - Rothstein, Bo (2001), "Social Capital in the Social Democratic Welfare State", Political and Society, 29:2, pp. 207° 241.
 - Rothstein, Bo and Stolle, Dietlind (2003), "Social Capital, Impartiality and the Welfare State: An Institutional Approach, in M. Hooghe and D. Stolle (eds) Generating Social Capital: Civil Society and Institutions in Comparative Perspective. New York: Palgrave, pp. 191° 210.
 - Rucio, K.D (1996), "Jay's pirouette, or why poetical trust is not the same as personal trust", Administration & society, 639-650.
 - Storm, K. & Lupia. A. (2003). "Parliamentary democracy & Delegation". In K. Storm et al. (Eds). Delegation & accountability in parliamentary democracies. Oxford: Oxford University Press.
 - Thompson, D. F. (2004). "Restoring Responsibility: Ethics in Government, Business and Healthcare", Cambridge: Cambridge University Press.

- UNDP, (2000), *"The Impact of Participation in Local Governance: A Synthesis of Nine Case Studies"*, draft report, Decentralized Governance Programme, 14 January, pp. 5-7.
- UNDP, (2007), *"Public Governance Indicators: A Literature Review"*, NY, Division for Public Administration and Development Management Department of Economic and Social Affairs, United Nations publication .pp:1-50
- United Nations Development Program, (1999), *"Decentralized Governance Monograph: A Global Sampling of Experiences"*, Management Development and Governance Division, Bureau for Policy Development, p. 6.
- UNDP,(1998), *"Decentralized Governance Monograph: A Global Sampling of Experiences"*, Management Development and Governance Division, Bureau for Policy Development, April, p.1- 6.
- United States Agency for International Development, (2009), *"Democratic Decentralization Programing Handbook"*, Washington DC. USAID.
- http://capacity4dev.ec.europa.eu/system/files/file/19/07/2011_-_0957/8-usaid_decentralisation_programming_handbook.pdf
- Uslaner, E.M. (2002). *"The Moral Foundations of Trust"*, New York: Cambridge University Press
- Van de Walle, Steven., Bouckaert, Geert. , Kampen, Jarl K., & Maddens, Bart (2002), *"Public Trust in Government"* ,Public Management Institute, <http://www.kuleuven.ac.be/io/trust>.
- Vengroff, Richard & Ben Salem, H., (1992). *"Assessing the Impact of Decentralization on Governance: a Comparative Methodological Approach and Application to Tunisia"*, Public Admin. & Dev. V.12, pp. 473-492.
- VanSant, Jerry. (1997), *"Governance as Stewardship"*. SICA Occasional PaperSeries.<http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/nispacee/unpan005561.pdf>.
- Williamson, O. E. (1996). *"The mechanisms of governance"*. New York: Oxford University Press.